



جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه یکبار در تاریخ ملی ۱۰۰ شماره و در تیر ماه برای تیرماه جاری در کشور و همراه با آن انتشار می یابد

شماره نود و پنجم : یکشنبه بیست و سوم آبان ماه ۱۳۰۰

نامه يك دانشجوی ایرانی مقیم خارج از کشور

سرشار از غرور و افتخار میخواهم فریاد بکشم که ایرانی هستم

نمیدانید این جشن شاهنشاهی و انعکاس آن در خارج چه غروری برای ما ایرانیها آفرید
کاش میتوانستم کارتی به سینه ام میزدم که ایرانی بودنم را مشخص می ساخت

بدنبال معنای تازه ای برای لغت « غرور » باشید

ستون سپاس و یادبود کشاورزان ایران بمناسبت جشن شاهنشاهی

« گرامی و بزرگ است پیشوائی که رنجها و

ناکامی هارا از زندگی ما کشاورزان زدود... »

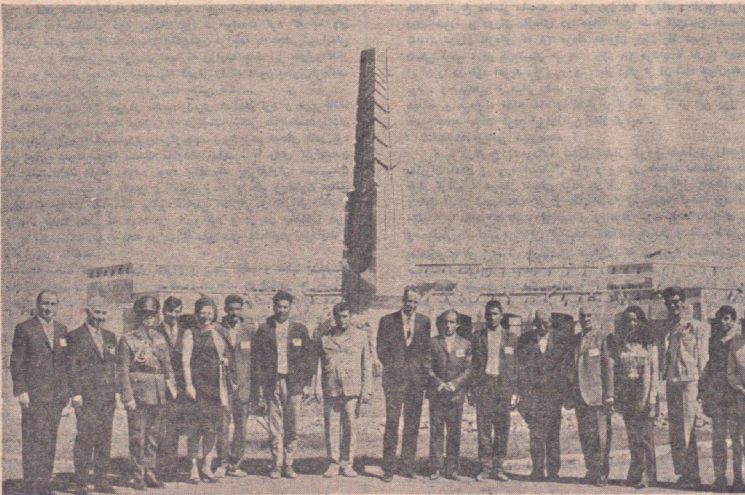
انتقاری از ایران که در مرحله نخستین به کشاورز ایرانی لغت زبانی از قیود اروپا و غربی را بخشید و نظام منطقی و فزونی عسکه مالدی را درجه ریخت در مرحله بعد نوید بخش نظام تعاونی باارزتها و آرمای های انسانی نوینی گشت که تجلی بخش آرزو های اکثریت عظیم مردم این کشور در هنگامی و هم رانی با سایر فقر های خلاق و سازنده اجتماع

در زندگی لفظی هست ، که به دین چهره یا عزیز ، خواندن شعری قشنگ ، یا عبور یک نسیم با یک نسوی خوش ، حالی غیر قابل توصیف به انسان می بخشد حالی که جسم را سبک می کند ، و از همه موجودات انسان یک روح آزاد و شاد می سازد. در این لحظه ها همه چیز سبک و آزاد میشود ، هر آندوهی از یاد می رود ، هر فکری ، روشن و رنگین می شود. و ای کاش که از این لحظات در زندگی سخت و پرهیجان و هیاهوی عصر ما زیاد پیدا شود . یک دانشجوی ایرانی مقیم گرجی به اسم فریدد ره آورد ، با نامهای که فرستاده ، این لحظات را یک بار دیگر برای ما ایجاد کرده . بقیه داریم خواندنش ، برای شما نیز همین حال را خواهید ساخت. این نامه را با هم در صفحه هفتم این شماره میخوانیم.

۱۰۰ لوحه آثار و آثار

لوحه ۹۵ : ولیمهد مظهر استمرار آئین شاهنشاهی

با تأییدات خداوند تعالی چون همواره در برتو توجهات خداوند لایزال انکار و تداویز و بقیه در صفحه ۳



اعلیحضرت پادشاه بزرگ با اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی زرعی آریانه در پای ستون سپاس کشاورزان

رسالت آئین شاهنشاهی راه گشای بن بست های منطقه ای

حتی از دوهزار و پانصد سال پیشتر ، خلیج فارس ، جلوه گساده تمدن شاهنشاهی ایران بوده است . و به مردم سرزمین های خلیج فارس و همسایگان آنسوی خلیج ، آرامش و ایمنی بخشیده است . خلیج فارس ، پیش از شاهنشاهی هخامنشی ، راه ارتباط ایران با آبهای ناشناخته زمان بوده است . و تمدن هخامنشی ، درکناره این خلیج ، که امروز یکهزار و شصت کیلومتر با آن ، و دریای مکران مرز گسترده دارد ، ریشه بسته است و جایگزین تمدن ایرانی قبل از خود ، براین پهنه شده است و از همان زمان که خلیج فارس ، نام خود را ، از تمدن پارسی گرفته است ، تا امروز ، آرامش و ثبات و ایمنی ، در خلیج فارس ، بسته به تدبیر ، و رهبری و پاسداری آئین شاهنشاهی ، از این آبهای جنوبی ترین مرز ، بوده است. این یادآوری لازم بود ، تا هنگامی که حضرت امیر بقیه در صفحه ۳

استراتژی نظامی ایران هخامنشی

طرح‌های روانی خسپارشا در چهار چوب استراتژی

دریک سابقه اسبوانی با شرکت کورش بزرگ، یک جوان ساکنی مقداری زمینان اسبوانی را جلوتر از دیگران پیود، پس از پایان سابقه کوروش از او پرسید: آیا اسبخوان را با سلطنت عوض میکنی؟ او پاسخ داد: با سلطنت عوض نمیکونم! این اسبها بجز آنراست من صاحبملی میباشم. کوروش گفت: بدترت من جوانتر بسیار است، هم اکنون بتوانی را نشان میدهم، کاگر چیزی برات بگویی، بیا صبدلی خواهد خورد. سپس کوروش محلی را نشان داد و مرد ساکنی کلوخی برتاب خورد، کلوخ به فرولاس کاخر جوانی خود کرده، فرانه چاره بلای زخم برداشت و از ینشاش خون میربخش. اما همچنان دربی انسجام ماوریتی که از سوی شاهنشاه پاد واکانار شده بود، اسب می‌تاخت، بدون اینکه حتی بدنبال خون بگردد. (۱) مورخین بزرگ این عمل را شاهنشاه انضباط محکم و اطاعت و برتر دانستن انضباط و فرمان نظامی حتی بر خنق جان دانستند. این انضباط از همین که بر پایه معتقدات قومی نسبت برهبر و یک رسته مهمان و مشتی سنت پیریزی بود و همچنان زمانهای بعد کنیده. استحکام این انضباط و اطاعت از سوی دیگر حس همکاری و پیوستگی وظیفه نشانی شده بد که کمبوجیه، داریوش، و خشایارشا

ارزش بزرگ ایران را که در جهان آن روز برمانند بود به فرافقا و اروپا هدایت کند، بی آنکه در درون ارتشی به این بزرگی نافرمانی و سرکش روی دهد. در ایام این همکاری عواملی مانند سرود های شورانگیز موثر بوده است. خوانند سرود جنگ در هنگام حمله، هم اعلام فرمان حمله بود و هم کنوع همکاری و هماهنگی در حرکات و نیز برتری روحی و غرور سربازی در ارتشیان بوجود میآورد است. (۲) هر دودت میگوید: «پی تی یوس» یکی از بزرگترین ثروت مندگان لیدی، در سارد میخواست مبلغ ۱۶ میلیون تومان برای هزینه لشکر کشی به خشایارشا تقدیم کند. خشایارشا چنین ساسگرایی از این مرد، پول مزبور را نپذیرفت و مبلغ هفت هزار دریک طلا هم باورشید.

وی روزی به شاه گفت: من پنج پسر دارم که همه آنها را برای جنگ احضار کرده‌ام،

- ۱ - کورفون، کوروشانه - برجه ترجمه و شرح کتاب - فصل ۳
- ۲ - همین مآخذ، کتاب ۲، فصل ۱
- ۳ - هرودوت، ترجمه حدادی هدایتی - کتاب ۷، بند ۳۸
- ۴ - این موضوع را هرودوت ذکر میکند ولی به نظر افسانه می آید زیرا ایرانیان آنها احترام میگذارند.

تحقیق از: سرهنگ نصرت الله بختورتاش

زیمتی بهار با رو به رسیار شود، ویران کرد. خشایارشا فرمان داد تا دریا را بر اثر این نافرمانی و ایستادگی بر برابر اراده ساسپانان تشبیه کنند و سجد خربه شلاق بان بزند و در هنگام اجرای مجازات بگویند: «ای او شور و تلخ، این یک کفری است که شاه بزرگ برای تو برده داشته، از این جهت خود ندیده بودی، اینک تميم به فتح جهان نديده بودی، خشایارشا از بدبازان هیچکس نخواهد کرد چه خواهی چچه نخواهی» (۴) ممکن است این کار افسانه و بیهوده تلقی شود، اما در حال باید توجه کرد، در عصری که شاه با نماینده اوزارمان در زمین، همبسا پیروز و سربلند گردیدند و پیا ارتشی بزرگ و سازوسرگی بيشمار که تا آنروز مردم جهان نخود ندیده بودند، اینک تميم به فتح جهان گرفته است، ارتش با بلای برین تیرگی زمینی توانایی روانی افشامی نافرمانی و سرکشی و پشتیبانی آن بردوش آنان سنگینی میکند، بپسار درخور اهمیت و نمودار بهره برداری از این طرح ذهنی و روانی سودمند میباشند.

رساله آیین شاهنشاهی راه گشای بن‌بست‌های منطقه‌ای

بقیه از صفحه ۱
گوت، زبان به ستایش «میراث بزرگ تمدن رفیع ایران» میکشاید، بیشتر، عمق و اصالت این پیام و ستایش، درک شود. حضرت امیر کویت، در معیادگاه تخت جمشید، از همخوان شاهنشاه آریامهر بودند. و از نزدیک و با آشنایی عمیق که به نیات بلند شاهنشاه داشتند، بخوبی، و در حدی که همبسا بدوست نزدیک، عظمت آنچه را درخت جمشید داشت، و آنچه را شاهنشاه آریامهر، همچون پیام آیین شاهنشاهی، رسالت این دیدار می‌یابند و منحصر به فرد، تاریخ فرارده بودند، دریافتند. و هنگامی که از میراث بزرگ تمدن رفیع ایران، یاد میکنند، در ترکیب هر کلمه، پاره‌ای از احساس معیادگاه بزرگ تاریخ را، تخت جمشید را، میشناسند. این یک باغبین و اعتماد است که همبسا بخوبی، به آیین شاهنشاهی برای آینده ابراز میکند، دقت کنید: «میراث بزرگ تمدن ایران، همچنان پیام آور صلح و تقاهم بین المللی خواهد بود.»

در این اقدام بسیار می‌توان روح اعتمادی را که همسایگان ایران، در خلیج فارس به سیاست منطقه‌ای و جهانی ایران دارند، باز شناخت. این اعتماد و احترام، تنها به سیاست منطقه‌ای و همسایگی ایران، متوجه نیست. بجز همین آشکار است که همسایگان ما، با عمق و وسعت تاثیر سیاست جهانی ایران نیز متوجه هستند. و آثار این سیاست را که شیرازه بندی صلح و تقاهم بین المللی است، میشناسند. و با یقین به آینده این سیاست، می‌نگرند. و آن را یکی از تکیه گاهای اعتماد خود به آینده روابط بین المللی می‌شمارند. در همسایگی، نقش تقاهم و آشنایی با روش ها، و اعتماد به حسن نیت متقابل، فزونی می‌یابد، و اگر کشورهای دوردست، با آشناند هستند، به آشنایی و برقراری تقاهم، با یکدیگر، و توسعه دامنه همکاری برای تحکیم مبانی صلح و دوستی برده اند، و شرایط دفاع از صلح، و شرایط پیوستگی و ارتباط بین المللی، چنین نیازی را بوجود آورده است. گروه کشورهای همسوار، به برقراری تقاهم، و اعتماد متقابل، و حسن نیت، بآن اندازه نیاز دارند که برای زیستن به هوا، و فضای تنفس نیاز مند، و تلحمای، و بی اعتمادی، میان همسایگان، زیانی است که متوجه دو جانب میشود. و پیریزی سیاست متقابل ملی ایران، بر مبنای پیش و آموزش حکیمان شاهنشاه آریامهر، اکنون، مرزهای همسایگی ایران را، به مرزهای برداری و اعتماد و آمینی، تبدیل کرده است. و در این مسیر، برای ابراز دوستی و تحکیم و توسعه همکاری، و ارتقاء سطح ایرانی، هیچ حدی، جز حقوق متقابل دو جانب، وجود ندارد. ایران، دوست خوب همه ملل همسایه است، و دوستان خوب را، در میان همسایگان ارجح میگذارد. و امروز، که خلیج فارس بدنبال ختم دوران سلطه استعمار، دارد، بار دیگر در حیطه قدرت کامل کشورهای راه‌گشای قرار می‌گیرد، روز نامه جشن شاهنشاهی

ازم افزایش درک متقابل، و تقاهم و دوستی و اعتماد و شناخت و آشنایی هر چه بیشتر، بین همسایگان فرهنگی خلیج فارس فرونی یافته است. وما، نیاز داریم، و یکدیگر را، از برای قدرت صلح و صلحنامه و صلحنامه سلطه استعمار، در خلیج فارس، به یاریست. و حدود و حریم گذشته و کنونی را، و توجهی را که طی این دوران خلاء، در خلیج فارس و سرزمین های آن، پدید آمده است، بشناسیم. نخستین درس را، بهرزی شاهنشاه آریامهر، ایران، در پیروزی روابط برداری با بحرین، به همسایگان خود در خلیج فارس داد. و این درس، سرآغازی است، و مفتاح و کلیدی، برای روابط هر یک از همسایگان، و معماری نو، که به همسایگان، و روشانی بیرون از سلطه استعمار را، در خلیج فارس نشان داد. امروز همسایگان ما، در خلیج فارس، پیام و رسالتی را که در آیین شاهنشاهی ایران است، پیام و رسالت صلح و تقاهم بین المللی، بهر از دیگران، درک می‌کنند، و چون، در همسایگی ایران، و در حاسرتین لحظات تاریخ خلیج فارس، در لحظات تحول و تغییر، شاهد جلوه و تابش این آیین و رسالت اند، شده اند، و هنگامی که در سرگردانی پیروزی آینده بودند، دیدند چگونه، سیاست دوستی و برادری ایران، راه گشای این نبستند.

این اعتماد و آمینی، باید، بین همسایگان خوب ما، در خلیج فارس باشد، تا بتوانند، آینده شری را که از پیروزی و تردید خالی است، برای خود بسازند. و با تقاضا به امن و آرامش، که بر خلیج فارس، حاکم خواهد بود، و پاسداری ایران، از این امن و آرامش، و به صلح و دوستی، مسائل تازه که در پیروزی آنها قرار گرفته است، بپردازند.

حضرت امیر کویت، از نزدیک، با عمق دیدگاهی نیک اندیش ایران، آشنا هستند. خود، از لحظه استنثار حاکمیت کویت، شاهد این نیک اندیشی، و تجلی دوستی و برادری، بوده اند. نقش و اثر این نیک اندیشی، در حیات و پاسداری آرامش و آمینی در خلیج فارس، آرزو مندانه است. هنگامی که به معیادگاه تخت جمشید آمدند، خاطری سراسر از دوستی و تقاهم و برادری داشتند، و آنچه، هنگامی که پیام های شاهنشاه آریامهر، خطاب به جهان، و سران و بهرمان کشورهای جهان، در دفاع از صلح، و پیروزی اساسی استوار تقاهم همین اقدار، و دنیا را به اندیشه های نیک و انسانی فرو برد، از سوی ایدل، این پیام ها را شنیدند، و از نزدیک، اثر پیام ها را، در خاطر بهرمان و سران کشورهای جهان دریافتند، و با جدیت و آزمون گشته، و این رسالت داد، در تخت جمشید، بودند که هنگامی که ایران، در پیروم دوست و اعتماد یقینی را که به رسالت و اصالت آیین شاهنشاهی در پیروزی صلح و تقاهم بین المللی دارند، کشف کردند، در این پیام، یکسر یقین و اعتماد سراسر از آشنایی است که ابراز میشود. هدف کنید:

«میراث بزرگ تمدن رفیع ایران، همچنان پیام آور صلح و تقاهم بین المللی خواهد بود.»

آری، این اعتماد و اعتماد عبث نیست، و تا انسان بهیبه زمین هست رسالت شاهنشاهی ایران چنین خواهد بود.



مصاحبه جهانی شاهنشاهی آریامهر در پایان جشن شاهنشاهی

عصر روز دوشنبه ۲۶ مهرماه ۱۳۵۰

قسمت دوم

● آقای پوربید خبیرنگار روزنامه اطلاعات سؤال کرد: اعلیحضرت در پرسی بولیس و تهران ملاقات‌های متعددی با سران مختلف کشورها داشتند ممکن است فرمایند که این ملاقات‌ها در روابط ایران و کشورهای دیگر چه تأییراتی خواهد داشت؟

شاهنشاه فرمودند: البته در ملاقات‌هایی که شد راجع بر روابط دو جانبه مسلماً صحبت شد ولی چون روابط ما مصروف ایجاد یک محیط دوستانه‌تری میشود و امکان دادن پاتیکه روسای مملکتی که لازم بودناهد دیگر ملاقات بکنند و حرفهای مهمی داشتند باهم برتند اگر ما موفق شده باشیم که یک چنین تسهیلاتی را در آنجا فراهم کرده باشیم حقیقتاً میتوانیم از خودمان راضی باشیم.

● یک خبرنگار سوئدی پرسید آیا ممکن است شاهنشاه در باره هزینه جشن توضیح بدهند و بیما ارقام مختلفی از ۲۰۰ میلیون دلار تا دو میلیارد دلار گفته شده است.

شاهنشاه فرمودند: قبلاً این سؤال از من شده بود فقط میتوانم اضافه کنم که رقم هزینه بیشتر خواهد شد و من شخصاً فکر میکنم که هزینه جشن بیش از دو میهنانی که برای میهمانان خود داریم نخواهند بود اگر فکر کنید که همین دو میهنانی ۴ میلیارد دلار خرج داشته باشند بنابراین باید بمن بگویند که قیمت یک کیلو نان یا یک کیلو گوشت چقدر است و فکر نمکنند که این بوی را ما از کجا آورده ایم؟

● خبرنگار سوئدی گفت: من نمیدانم.
شاهنشاه فرمودند: پس چرا این سؤال میکنید.
● خبرنگار کیهان انگلیسی پرسید منظور اعلیحضرت چه ارزش بردوامی این جشن برای مردم ایران میتواند داشته باشد.

شاهنشاه فرمودند از نظر علاقه‌ای که بتاريخ زارم از خودم بارها این سؤال کرده‌ام برای آن که از جوانان آن اطمینان یداکم فقط میتوانم بگویم که ایستما نیست که ارزشی بردوام این جشن آن باشد که کشوری مانند کشور من که گذشته‌های پراختر داشته است که در ۴۰۰ سال گذشته مشکلات و بدبختی‌های بسیار کشیده در دو جنگ جهانی به علت ضعف نظامی قلمرو ما اشغال شد و آنچه خواسته بمانا کردند فقط معجزه بود که ما را نجات داد چند جنگ جهانی اول و چه در جنگ جهانی دوم ولی این جشن نشان داد که اگر کشوری از بافتاده باشد همیشه برای ملت این امکان هست که با داشتن هدف باریگر روی پای خود بایستد و سرتمام مشکلات فاقی آید و با قدرت و امید نه تنها با زمان حال روبرو شود بلکه شالوده آینده بهتر را نیز بنی کند.

● یکی دیگر از خبرنگاران پرسید اکنون که ایران سرعت بسوی صنعتی شدن پیشرفت میکند آیا امکان آن هست که روزی اختیارات سلطنت مانند اختیارات سلطنت در انگلیس شود.

شاهنشاه فرمودند فکر میکنم ما بتوانیم با قاطعیت و با اطمینان کامل بگوئیم که ایران نه تنها یک کشور صنعتی خواهد شد بلکه بعقیده من سرور زمان وارد دوران تمدن بزرگ خواهد شد و برای کسانی که علاقه مند باشند بداند منظور از عصر تمدن بزرگ چیست باید بگوئیم منظور عبارتست از ایجاد یک کشور که در آن رفاه از هر جهت فراهم بشود بطوریکه هر فرد از تولید تا مصرف از هر نوع بیمه اجتماعی برخوردار شود تا درس خواند شغل داشته باشد کار کند و بازنشسته شود و سرانجام با آرامش در پایان یک زندگی راحت بگذرد البته منظور ما از چنین اجتماعی آن نیست که انضباط در اجتماع وجود نداشته باشد منظور آن نسبتاً است که اجتماع دچار گرفتاریها نباشد که در برارهای جاها شاهد آن هستیم ظرف مدت ۱۴ سال بسوایتی بکنی از آن کشور ریشه کن خواهند شد. مردم ما از مرد میتواند آزاده‌انه نمایندگان خود را در تائوئیات انتخاب کنند. سپس میتواند اعضای شورای مدرا انتخاب کند سپس

میتواند مدیران شرکتهای زراعی را انتخاب کند و سپس اعضای خانهای اصافرا انتخاب بکنند اینها کسانی هستند که در مورد دعوت‌های دهکده با دهکده‌های اطراف داور می‌کنند - ما همچنین شوراهای شهرداری که اعضای آن بوسیله مردم انتخاب میشوند ما شوراهای بشورتی در شهرها داریم که اعضای آنها نیز بوسیله مردم انتخاب میشوند. در شهرها همچنین شوراهای شهرداریها هست که آنها نیز نمایندگان قسمت مردم هستند. شورای ایالتی داریم که آنها نیز انتخاب میشوند و نیز مجلس نمایندگان و مجلس سنا نیز که مردم برای انتخاب اعضای آنها رای میدهند. این رای مستقیم است یعنی رای مخترانه و مستقیم. ما مردم خود را هر روز بیشتر و بیشتر برای فعالیت‌های سیاسی آماده میکنیم و برای شرکت در احزاب سیاسی آماده میکنیم. حالا اگر بعضی‌ها میخواهند احزاب سیاسی احزاب مبین پرستی باشند من اعتنایی با آنها نمیکم معنای حزب سیاسی آن نیست که مخالف بود یک کشور خوش باشد هیچکس مانع هیچکس در رای دادن نخواهد شد بنابراین حرف شمار دست است که قدرت هر روز بیشتر و بیشتر بدست مردم داده میشود. این درست همان روح شرکت مردم تنها در امور مربوط بخودشان بلکه امور دولت و کشورشان است. حالا باید دید که در این زمینه چه کرده ایم اصلاحات ارزشی کمیل شده کارگران تا حدود ۴۰ درصد در سود کارخانه‌ها سهم شده اند آنها حتی میتوانند اگر خواسته باشند سهام کارخانه‌ها را بخرند حداقل در برارهای از کارخانه‌ها این وضع وجود دارد ولی سهم کردن کارگران در سود خاص کارخانه یا یک قانون است میداند که جنگل‌ها یا ملی شده است یعنی که آنها متعلق با جماعت است مراجع نیز ملی شده حتی منابع آب کشور نیز ملی شده است تا آنجا که این اطلاع دارم چنین بقیه در صفحه دو برو

۲۶ مهر ۱۳۵۰
18 OCT. 1971
۲۷ شعبان ۱۳۹۱

آلبوم مراسم جشن شاهنشاهی «گزارش لحظه به لحظه با عکس»

فرهنگ ما عوض شده است موزهها را مادیات و ترقیات مادی که ایران کرده توانستم باوجودی که در اختیارمان بود موزهها را سازیم و بخودمان و بدینا نشان بدیم ایست که در آینده غیر از زحمت و کار استزای که در شناسایی فرهنگ ملی و تاریخ خودمان باید انجام بدیم یک آبی از ترقیات مادی مملکت نباید فرگذار باشیم.

● اخیرا کارهای خوبی خلق چین بزبان فارسی سؤال کرده اند و اینها را ما از خبری آلمانی و برای اولین بار از ایران دیدن میکنیم و چین و ایران روابط دیپلماتی برقرار کنیم و روابط چین و ایران چنان توسعه مییابد؟

شاهنشاه در پاسخ فرمودند البته شاید روابط بین مملکت شما و مملکت ایران یکی از قدیمیترین روابط بین دو مملکت است که ما باشد. تمدن شما و تمدن ایران از قدیمیترین تمدنیهای جهان است روابط فرهنگی و حتی اقتصادی ما خیلی قدیمی است و طبیعی است که این روابط دورتر به زرقار برسد و به عظمت گذشته خود و بلکه بیشتر از آن برسد و حال که ما روابط سیاسی خود را بعد از یک مدتی خاموشی ابروی گرفتاریم مسلما امید ما در اینست که از این روابط هر دو مملکت ما که ممالک آسیای هشتمین منتفع و بهره مند شویم.

● حسین تومیتسایان خبرنگار رادیو تلویزیون ملی ایران سؤال کرد شاهنشاهان اجتماع پادشاهان و روسای جمهوری در تخت جمشید فرست منتظمی بود که اجابتا سران کشورها تبادل نظرهایی بعمل میآورند آیا شاهنشاه فرست فرمودند که باسران کشورهای هند و پاکستان درباره اختلافهای اخیرشان مذاکراتی بفرمایند؟

شاهنشاه در پاسخ فرمودند: تمام هم ما این بود که هر جایی که بتوانیم روح مسالمت آمیز و همکاری را برقرار کنیم البته شاید وارد جزئیات نشود شد ولی مسلما شایع هم حرف میزنند که هم ما در این مدت بیشتر مصروف همین قبیل تفاسی و سعی و کوششها بوده است.

● خبرنگار دیگری پرسید در این مراسم خبرنگاران و روزنامه نگاران تمام کشورها بودند ولی خبرنگاران و مقامات دو کشور که از ایران زیاد دور نیستند نبودند ممکن است علت این امر را توضیح دهید؟

شاهنشاه فرمودند میتوانم منظور شما را جنس برنم با یکی از این دو کشور ما روابط حسن همجواری نداریم ولی در مورد کشور دیگر باید بگویم که ما با روش انعطاف پذیر آن متوافق هستیم و عقیده ما این است که از لحاظ سیاسی این روش بجائی نخواهد رسید و شاید اینها باشد دلایل اینکه شما نمایندگان این دو کشور را اینجا ندیدید.

دنیاله مصاحبه در شماره آینده

کشدند چون تشکلات و ترقیات را آنها دادند. ولی باید بفکر آن کوچکترین افرادی که در این جشن با تمام روح و دل خودشان شرکت کردند باید بفکر آنها هم باشیم و از آنها هم تشکر میکنیم که اطلاع دارم خیلی از ساختمانها در خیلی از بناها شیویتی و وقت بدو اینکه اجباری باشد بدون اینکه حتی شاید مزدی بگرد اضافه کار روزانه ای مانده و شاید آنسرا نخواهد و صبح رسد برای اینکه کارش بوقوع تمام بشود حقتنا از آنها خیلی مشکل است که انسان قدرانی و تشکر کند برای اینکه تمام قیافه های ناشناسی که ماهیچوخت اینها را خواهیم شناخت مثل همان قیافه های ناشناسی که در ۲۸ مرداد ۳۳ شرکت کردند و خودشان را بکشتن دادند و هجوقتا ما تقدیمیم اینها میکنم.

● خبرنگار خبرگزاری آلمان شرقی بزبان فرانسه: اعلیحضرتا والتراولبرایت رئیس جمهوری کشور ما تلگرام تبریکی بان اعلیحضرت ارسال داشته است.

ایران تا این زمان تنها کشور خاورمیانه است که تاکنون هیچگونه تماسی با جمهوری دمکراتیک آلمان نداشته است آیا آن اعلیحضرت برقراری مناسبات بازرگانی یا سیاسی با جمهوری دمکراتیک آلمان را پیش بینی نمی کنند؟

شاهنشاه در پاسخ فرمودند البته درجهان امروز هر چیزی امکان پذیر است.

● امیر طاهری از روزنامه کیهان انتزانشال سؤال کرد در در این هفته همجا صحبت از روحیه تخت جمشید است هم در مقیاس بین المللی و هم در مقیاس ملی بیشتر میخواستیم نظر شاهنشاه را راجع به مقیاس ملی به بینیم ، امین روحیه تخت جمشید آیا فعالیتهای فرهنگی و معنوی ما را بیشتر تاکید خواهد کرد با توجه باینکه ما در این ده ساله شاید ناچار بودیم که بیشتر به پیشرفت مادی و اقتصادی توجه بکنیم.

شاهنشاه در پاسخ فرمودند: بدون تردید در روحیه فرهنگی و ملی ما تاثیر بسزایی خواهد کرد و البته دوستیجه ما باید از این کار بگیریم یکی اینکه خودمان را هم کنیم یعنی از اینهمه افتخار و اینهمه سر بلندی و بوقیقت عظیمی که از این جشنها بدست آمد بچند مغرور نشویم و بدانیم که سرشوت باک مملکت فقط و فقط با کار روزانه و منوالی و مداوم میشود یک نتیجه خوبی گرفت و باک مملکت را باوچ ترقی برساند. البته از لحاظ روحی و فرهنگی ما بکنار دیگر خودمان را بخودمان معرفی کردیم و ثابت کردیم ولی این را هم نباید فراموش کنیم که برای انجام هر نوع خدمات فرهنگی باک مملکت کمتر کسیکه وسائل مادی در اختیارش نباشد این کار برایش میسر نیست کمابینه آیا آن موزههاییکه امروز در تهران هست ما چند سال پیش داشتیم

امری در او را وجود ندارد ولی این توفیق اختیارات از بالا برسد و نوددها بمعنی آنست که شاه در این کشور موقعیت رهبری و بدی و برسرش خود را از دست ندهد چون ماناژه دودار و پادشاهین سال شاهنشاهی ایران را جشن گرفتیم و اگر این برای شما معنای ندانسته باشد ماچگونه می توانیم بشما پاسخ دهیم در هر حال باید بگوییم که شاه شاه دارای معنای خاصی برای مردم این کشور است و باید دکنه ای را که بارها گفتیم بار دیگر تکرار کنیم که اگر زمین توانسته باشم کارهایی را که گفتم کرده باشم یعنی انقلاب دوازده سده ایران و حفظ استقلال کشور پس از جنگ همه بدان میخورد که است که من تازه بوده ام در غیر اینصورت بل خدمت کارهایی که کمترین مردم میتوانست احیانا بوسله باک دیکتاتور دست راستی بامست جی صورت بگیرد ولی میدانید که سرانجام دیکتاتورها چیست ؟ معمولا آنها برای نجات خود دروغ خود هر روز افراتر را جمع میکنند برخلاف تمایل مردم عمل میکنند و خود را بر آنها بوسله ترور و وحشت تحصیل میکنند تصور نمیکند توضیح دیکتاتور برای شما ضروری باشد کارهایی که انجام داده ایم صورت نمیگرفت اگر من شاهین سرزمین نبودم.

● سناوش آذری خبرنگار خبرگزاری پاریس سؤال کرد ، شاهنشاه ملت ایران اشتیاق فراوانی داشتند که از نزدیک در جشن شاهنشاهی خودشان شرکت کنند ولی امکانات محدوده این موقیتر را بصورت تماشا جشن از تلویزیون و شنیدن از رادیو و امکانات در مملووعات تسبب آنها کرد آیا شاهنشاه بسزای اینهمه از نزدیک خود در این مورد خاص پیام ویژه ای دارند.

شاهنشاه در پاسخ فرمودند:

بیامین اینست که ای کاش تمام این مراسم را میشد تا دور افتاده ترین مناطق این مملکت ما می بردیم و نشان میدادیم تا جایی که رادیو تلویزیون امکان داشت این مراسم با اطلاع و با دید مردم ایران رسیده. باوضع مخصوصی در ایران هست و آن ارتباط قلبی و روحی است که بین تمام افراد ایران موجود میباشد یعنی من حتی اینطور فکر میکنم که احیانا آن چوینی بلوچی و آن کسی که در تهران پای تلویزیون رنگی نشسته بود و مراسم را میدید باک ارتباط قلبی هست که این بدون دیدن این مراسم شاید تقریبا همان احساسات را در او تولید شده باشد. و در عین حال باید از تمام افرادی که در این جشنها زحمت کشیدند آنتهایی که استنشاست و هغه میشناختند معافی دارند منزلی دارند در این جشنها مسئولیتهای داشتند که پایه استنشاشنا هست و باینکه خودشان در صفوف اول بوده البته از آنها کمال استنش و رضایت هست و حقیقتا حجت



۲۶ مهر ۱۳۵۰
18 OCT. 1971
۲۷ شعبان ۱۳۹۱

آلبوم مراسم جشن شاهنشاهی «گزارش لحظه به لحظه با عکس»

